

بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست‌وجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران

محمد رضایی^۱

چکیده

در مواجهه با مسئله قانون - تا آنجا که به تحقیقات اخیر مربوط است - فقدان‌هایی دیده می‌شود. در این مقاله، کوشش شده پس از ذکر این کاستی‌ها، رویکرد تازه‌ای به مسئله قانون پیشنهاد شود. به نظر می‌رسد باید مسئله قانون در کشور از منظری وسیع‌تر یا در چارچوبی گسترده‌تر مطرح شود که در آن «حاکمیت قانون»، نه پیروی از قانون در مرکز توجه قرار گیرد. تکیه بر حاکمیت قانون سودمندی‌هایی دارد: ۱. این مفهوم بررسی امر قانونی را با استفاده از شاخص‌های ملموس ممکن می‌سازد. ۲. شاخصی است که در پروژه‌های گوناگون بین‌المللی برای سنجش وضعیت قانون در کشورهای مختلف جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۳. نگاهی به شاخص‌های برآورد حاکمیت قانون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این شاخص به هیچ یک از ترازهای فردی یا ساختاری فروکاسته نشده است. از این رو، کوشش شد با تکیه بر داده‌های سنجش‌های بین‌المللی، تصویری جامع‌تر از وضعیت حاکمیت قانون ارائه شود. ۴. در این نگاه، همه مؤلفه‌های درگیر در پروژه / مسئله قانون و سهم آنها روشن است.

واژگان کلیدی: پیروی از قانون، حاکمیت قانون، مسئله قانون، فساد، قانون‌گریزی و انضباط.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره دوازدهم • پاییز ۹۳ • صص ۲۹-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۲۶

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (rezaeim@modares.ac.ir).

مقدمه

انقلاب مشروطه برهه شاخصی است که از آن به بعد گویا، «یک کلمه» (به تعبیر مستشارالدوله) یا قانون، به سخن درآمده است. اما، این بیش از «یک کلمه» یا برداشتی تازه از مفهومی قدیمی است: نخست، تولد گفتمان تازه‌ای در نظام اندیشگانی ایرانیان در این برهه رقم خورده بود. دوم، بنا بر مدعای آجودانی (۱۳۸۷)، قانون یگانه راه نجات ایران به شمار آمد. از این رو، ترازهای گوناگونی از نسبت جامعه با قانون مورد توجه بوده است. از یک سو، کوشش‌های پیگیرانه‌ای برای تربیت^۱ قانونی شهروندان صورت گرفته است (موثقی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، بوروکراتیزه کردن جامعه، مانند تلاش‌های امیرکبیر، دوره کوتاه میرزا جعفرخان مشیرالدوله، به‌ویژه دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار و دوره پهلوی اول (آدمیت، ۱۳۵۱، ۱۳۵۵؛ فوران، ۱۳۸۵؛ آبراهامیان، ۱۳۸۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷) در مرکز برنامه‌های اصلاح اجتماعی قرار گرفت. پیداست که این پروژه عمری به نسبت طولانی در ایران دارد که در یک نگاه کلی سه دوره مشروطه، پهلوی و سال‌های پس از انقلاب اسلامی را شامل می‌شود. با وجود همه این کوشش‌ها، به رغم گذشت بیش از صد سال از به گفتمان در آمدن «یک کلمه» هنوز قانون و حاکمیت آن در جامعه ایران پروژه‌ای ناتمام و مشکلی حل نشده است.

بگذارید، از مسئله قانون در ایران سخن بگوییم. گویی طی سال‌ها و دهه‌های متمادی،

۱. می‌توان تاریخ معاصر ایران را از منظر مفهوم تعلیم و تربیت جدید قرائت کرد. در واقع لحظه مهم این تحول تازه را باید در تولد مسائلی دید که برخی محققان آن را ذیل «پرسش عباس میرزایی» خلاصه کردند. این پرسش به فقدان بزرگ و عقده‌ای تاریخی در ایران اشاره دارد که همیشه خود را به انحاء گوناگون بازتولید کرده است: «چرا عقب مانده‌ایم؟» این تحول گفتمانی ناظر بر دو هدف یا دو ضرورت در دو ساحت مختلف نظام اجتماعی بود: از یک سو، دولت مرکزی با این تربیت درصدد تولید کارگزارانی برای اداره به اصطلاح امروزی و بوروکراتیک جامعه بود. از سوی دیگر، از دل همین فرایندهای تربیت کارگزاران دولتی، نیروهای تازه‌ای پدید آمدند که به بیش از کارگزاران دولت یعنی به شهروندسازی در ایران فکر می‌کردند. این دو هدف که ضرورتاً در پاره‌ای اوقات در مقابل هم قرار می‌گرفتند، موجب برخی تناقضات و البته موانعی بر سر راه رشد و ترقی شدند.

عدم تمکین به قانون، خود به نوعی «قانون نانوخته» تبدیل شده و «جالب آنکه قانون و قانون‌گرایی قولی است که جملگی بر آنند و هر فرد و مقامی، دیگران را به رعایت آن فرامی‌خواند» (ملک‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۷). داده‌ها به خوبی گرانجانی این مشکل در حیات اجتماعی ایران را نشان می‌دهند. مسئله قانون در جامعه ایران به رواج ایده عدم تمکین به قانون یا اولویت نگاه ابزاری به قانون (رضایی، ۱۳۸۴) در میان مردم ختم نمی‌شود. به نظر می‌رسد حسی غریب و گاه متناقض‌نما نسبت به قانون در میان مردم دیده می‌شود. از یک سو، ۹۵ درصد افراد اعتقاد دارند «رعایت قوانین و مقررات باعث می‌شود مردم عادی بتوانند راحت‌تر به حقوق خود برسند»، با وجود این، تنها ۲۸ درصد افراد معتقدند: «مردم، حتی اگر کسی بالای سرشان نباشد قانون را رعایت می‌کنند». افزون بر این، نزدیک به ۶۰ درصد آنها معتقدند: «برای اینکه مقررات راهنمایی و رانندگی رعایت شود، باید سر هر چهارراهی چند پلیس گذاشت». در نتیجه این تصور ناسازحاکم می‌شود که اگر قانونی وضع می‌شود و برخی از کارها را منع می‌نماید، نباید آن را چندان جدی تلقی کرد، مگر آنکه در موقعیت عمل با منافع منافاتی نداشته باشد. از سوی دیگر، در میان مردم این احساس وجود دارد که قانون در مورد همه به‌طور یکسان اجرا نمی‌شود؛ ثروتمندان در مقابل قانون در شرایط بهتری قرار دارند و قانون نسبت به آنها انعطاف‌پذیرتر است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۸۴). تصور کنید، در جامعه‌ای ۸۰ درصد مردمانش فکر کنند داشتن مناسبات خویشاوندی و توان نفوذ بر تصمیمات در نهادهای بوروکراتیک شرط تضمین حقوق پایمال شده است (گودرزی، ۱۳۸۵؛ پیمایش جهانی ارزش‌ها در سال ۲۰۰۵).

به‌رغم داده‌هایی که از آن یاد کردیم، احساس مبهمی از نحوه حضور قانون در جامعه وجود دارد. منظور از ابهام، به ناتوانی در نتیجه‌گیری نهایی نسبت به این مسئله در کشور برمی‌گردد. در واقع، اگر بناست از «نهاد قانون» در جامعه سخن بگوییم، در معنای دقیق عبارت نهاد در جامعه‌شناسی (گیدنز، ۱۳۹۱) به نظر می‌رسد تا آنجا که به درونی‌شدن امر قانونی در وجدان شهروندان مربوط است، راه درازی در پیش داریم. اما، هر چند شاهد وضعیتی نیستیم که امر قانونی به پدیده‌ای در درون شهروندان تبدیل شده باشد، به صراحت هم نمی‌توان از شیوع پدیده قانون‌گریزی در جامعه سخن گفت. در واقع، تحقیقاتی که در این حوزه دیده می‌شود، نه قانون‌گریزی یا تمکین به قانون، بلکه گرایش به امر قانونی را

می‌سنجند که حتی با وجود ضعف در این گرایش، نمی‌توان قانون‌گزینی را نتیجه گرفت و بالعکس. از این رو، می‌توان از میل به جست‌وجوی راه‌حل‌های فردی و غیررسمی در حل مشکلاتی که در زندگی روزمره با آن درگیریم سخن گفت. می‌توان از ضعف جامعه سخن گفت. با این مفهوم در جست‌وجوی دلالت‌هایی برای ایده «فروپاشی اجتماعی» (عبدی، ۱۳۸۵؛ جلائی‌پور، ۱۳۸۵؛ پیران، ۱۳۸۴ الف) نیستیم، بلکه هدف نشان دادن کاستی‌های امر اجتماعی در فضاهای زندگی روزمره است. در واقع، قانون باید یکی از تجلی‌های اساسی جامعه در وجدان شهروندان باشد.

تحقیقاتی که از آنها یاد شد به خوبی نشان می‌دهند که تا چه میزان نهاد قانون به مثابه امری مدرن، به شکلی نارس یا به تعبیری کژمدرن (جلائی‌پور، ۱۳۹۲) شکل گرفته است. از همین آغاز، باید یادآور شد: به رغم نبود نمونه‌ای کامل و تمام‌عیار از نهاد قانونی در جوامع بشری، می‌توان از تکوین ناتمام نهاد قانون در کشور سخن گفت که به استقرار نامطمئن قانون در جامعه ایرانی اشاره دارد. در واقع، هر جا از مسئله قانون سخن می‌گوییم، منظور همین نقصان است. آیا می‌توان در تحقیقات موجود ردی از عوامل شکل‌گیری ناتمام نهاد قانون در ایران یافت؟ شوربختانه، شمار تحقیقاتی که مستقیم به نسبت میان برخی متغیرها با میل به اطاعت از قانون پرداختند چشمگیر نیست. افزون بر این، از آنجا که بیشتر این تحقیقات از نوع نگرش سنجی هستند، میل به اطاعت از قانون در مجموعه‌ای از دیگر مؤلفه‌های برساننده نگرش افراد، نه لزوماً متغیرهای تبیین‌کننده، مورد سنجش قرار گرفته است. از این رو، الگوی دقیقی از نسبت متغیرهای تأثیرگذار بر این میل دیده نمی‌شود. هر چند در این تحقیقات نشان برخی تبیین‌ها نیز دیده می‌شود. اما، این تبیین‌ها مبتنی بر متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی است. در واقع، مشکل اصلی این‌گونه تحقیقات، نبود چارچوب نظری مشخص برای تبیین نهادمندی قانون در جامعه ایران است. با وجود این، چند تحقیق قابل اشاره وجود دارد.^۱ در دسته‌ای از این تحقیقات علت‌های بروز قانون‌گزینی در ایران را امری وابسته به تاریخ و ژئوپلتیک ایران قلمداد می‌کنند. در واقع، این محققان رواج الگوی بی‌میلی به اطاعت از قانون را ناشی از وجود درازمدت

۱. برای مثال می‌توان به محسنی، منوچهر (۱۳۷۸) «بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران»، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی [ویژه گردهم‌آیی قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی]، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد.

۲. می‌توان به صمد کلاتری، رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴) و رضایی (۱۳۸۴) اشاره کرد.

شکل خاصی از استبداد ایرانی تلقی کردند. این تحلیل‌ها چه در شکل اقتصاد - جغرافیا بنیاد (آبراهامیان، ۱۳۸۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷؛ پیروز، ۱۳۷۱؛ پیران، ۱۳۷۶، ۱۳۸۴؛ تنومند، ۱۳۷۸؛ قادری، ۱۳۸۱؛ آشتیانی، ۱۳۸۱) و چه در شکل سیاست‌بنیاد (Anderson, 1990; 1974a; 1974b) اشرف، ۱۳۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۰؛ قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸)، استبداد سیاسی و گرانجانی آن در تاریخ اجتماعی ایران را سبب بلورینه‌شدن و رسوب‌گرایشی غیرمدرن در اذهان ایرانیان می‌دانند که نهادمندی قانون به مثابه امری عینی و غیرشخصی را بر نمی‌تابد. دسته‌ای دیگر از تحقیقات - و البته نه چندان نامرتبط با دسته اول - علت‌های اجتماعی و فرهنگی دیگری را به این فهرست افزودند: برای نمونه تقدم حق تجربی بر حق انتزاعی (بین‌الذهانی)، رواج ترجیحات قانون‌گريزانه در فرهنگ عمومی، اصرار بر اختلافات به جای حل اختلافات، پس‌افتادگی حقوق، تقدم فرد بر حق، تراکم و بی‌ثباتی قانون، فقدان آگاهی از قانون (عبدی، ۱۳۸۱)؛ بیگانگی از قانون، رؤیت‌ناپذیری قانون، فاصله زیاد میان ساحت فردی و ساحت اجتماعی یا ناهمخوانی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، دوچهرگی قانون به معنای خشن در برابر عامه و رئوف نسبت به مهربان؛ دو دسته موانع عام و خاص در نهادمندی قانون در جامعه (عبداللهی، ۱۳۷۸)؛ نبود قانون مشخص در دوره‌های مختلف، استبداد تاریخی یا هر دو، شرایط انقلابی بعد از انقلاب اسلامی، عدم موفقیت در استقرار قانون، دوگانگی ارزشی در سطح جامعه، به عبارت دیگر، عدم انطباق میان دو دیدگاه ارزشی حاکم، یعنی دیدگاه سنتی - مذهبی و دیدگاه مدنی، حضور قوانین شرعی یا قوانینی با مبنای شرعی که در ظرف جامعه امروزی نمی‌گنجند، مسئله مشروعیت حکومت، بی‌ثباتی و عدم تعادل کلی جامعه و بی‌ثباتی قوانین (علوی‌تبار، ۱۳۷۶) و دست آخر، وجود فردگرایی منفی در نزد ایرانیان (وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷؛ وثوقی و همکاران، ۱۳۸۴).

با وجود این مطالعات، هنوز نیازهای دیگری برای پژوهش‌های تازه وجود دارد. چه بسا در متن این مطالبات نوعی تغییر در نگاه به امر قانون در جامعه ایران وجود داشته باشد. دعوی ما این است که تحلیل مسئله قانون در کشور نیازمند نوعی دگرگونی در رویکرد ما نسبت به امر قانونی در جامعه است. در واقع، تحقیقات موجود، دچار چند مشکل اساسی هستند که نتایج آنها مداخله در مسئله‌ای که گرفتارش هستیم را ناممکن می‌سازند: نخست، بیشتر این تحقیقات ناظر بر نسبت فرد با قانون هستند. به بیان دیگر، رعایت یا عدم رعایت قانون در این پژوهش‌ها خصلتی فردی تلقی می‌شود. در مقابل، باید به خصلت نظام یا

سیستم اجتماعی فکر کرد. در واقع، دعوی ما این است که چه رعایت قانون و چه قانون‌گریزی خصلت نظام اجتماعی است. از آنجا که تمرکز تحلیل‌ها بر فرد و ذهنیت او نسبت به قانون است، برنامه‌های اصلاحی و ترمیمی نیز فرد را هدف قرار می‌دهند. لذا، کوشش‌های تبلیغاتی از جنس برنامه‌های تلویزیونی در مرکز توجه هستند که دال محوری چنین فعالیت‌هایی را مفهوم «فرهنگ‌سازی» تشکیل می‌دهد. افزون بر این، هر جا از متغیرهای کلان و غیرفردی مانند استبداد تاریخی سخنی به میان می‌آید، از آغاز روشن است که با آن دست کم در کوتاه‌مدت، کاری نمی‌توان کرد. تصور کنید که اگر استبداد دلیل اصلی دلزدگی امروز ما ایرانیان نسبت به قانون باشد چه کاری می‌توان انجام داد. تا چه مدت باید صبر کنیم تا این ذهنیت جای خود را به گرایشی دیگر بدهد؟ روشن است که این شیوه تبیین قانون‌گریزی ما ایرانیان کمکی به حل مسئله نمی‌کند. چه بسا، با چنین رویکردی است که فرد در مرکز توجهات اصلاحی و ترمیمی ما قرار می‌گیرد. تحولی که از آن یاد کردیم، ناظر بر همین احتراز از تحلیل‌های انسان‌گرایانه و فردگرایانه از نهادمندی قانون در جامعه ایران است.

مشکل دیگر تحقیقات موجود تمرکز آنها بر شخصیت ایرانی است. این گونه تحقیقات را می‌توان از نوع پژوهش‌های شخصیت‌شناختی دانست. در همه این تحقیقات نمایشی از شخصیت ایرانی عرضه می‌شود که گویا، فرصت‌طلبی و طفیلیگری بخش ذاتی وجود اوست. سریع‌القلم (۱۳۷۷ الف، ۱۳۷۷ ب، ۱۳۸۴، ۱۳۹۱) نمونه بارزی از چنین پژوهش‌هایی را عرضه می‌کند. دو مشکل در این نوع تحقیقات دیده می‌شود: نخست آنکه داده‌های دقیقی از ویژگی‌های نظام اجتماعی که چنین شخصیت‌هایی در آن تولید می‌شوند به دست نمی‌آید و دوم، راه برون‌رفت از چنین وضعیتی لزوماً تغییر شخصیت تک‌تک افراد است. راه درازی است! به سادگی نمی‌توان آن را پیمود. سوم اینکه مشکل اصلی دیگر، غیبت نگاه فنی به نهادمندی قانون در جامعه است. منظور از نگاه فنی توجه به سازوکارهای خردی است که عمل پیروی از قانون در سطح فردی و اعمال قانون در سطح نهادی را توضیح می‌دهند. از قضا، همین نگاه به پروژه حل مسئله قانون است که مداخله در فرایندهای اجتماعی تسهیل‌کننده یا محل اجرای قانون را ممکن می‌سازد. نگاه فنی، ما را هر چه بیشتر از تحلیل‌های مبهم، کلی و مداخله‌ناپذیر مانند تأثیر ژئوپلیتیک دور می‌سازد و در عوض، امکان‌هایی را می‌گشاید تا با توسل به آنها بتوانیم تغییراتی ملموس در وضع

موجود پدید آوریم. این رویکرد، نوعی توسل به اکنون و دوری جستن از اصالت تاریخ است؛ نوعی بازنگری در نگاه ما به تحلیل وضعیت اجتماعی ایران در وضع و حال کنونی است. بیان دیگر چنین رویکردی، خلاص شدن از تحلیل‌های مبتنی بر استبداد، سرزمین، ژئوپلیتیک و مانند اینهاست که به رغم درستی آنها، کمکی در حل معضله قانون در ایران نمی‌کنند. از همین منظر، ضرورت مقاله حاضر آشکار می‌شود. افزون بر این، تحلیل فنی وضعیت قانون در ایران، فقدان دیگری که در تحلیل‌ها دیده می‌شود را نیز مرتفع می‌سازد. مشکل این است که ما درک دقیق و مفصلی از مؤلفه‌ها و ابعاد نهاد قانون در کشور نداریم. برای نمونه، از نگرش مردم نسبت به قانون داده‌هایی داریم و تحلیل‌های تاریخی از روند قانون‌گذاری هم در دسترس است. با وجود این، برای مثال، درک مشخصی از ارتش، عدالت توزیعی، یا مواردی مانند این نداریم. به بیان ساده، به نظر می‌رسد نهاد قانون متشکل از ابعاد و مؤلفه‌های چندگانه‌ای است که درک تک‌تک آنها به ما امکان حصول فهم روشنی از پدیده قانون در کشور را می‌دهد.

کوشیدیم تا از فضای تهی موجود در تحقیقات قانون در کشور یاد کنیم. این فضا ناظر بر مطالعه نهاد قانون به مثابه کل است. شاید بتوان با تکیه بر تعبیر فوکویی (فوکو، ۱۳۹۲؛ Jager, 2001) از سامانه «dispositive» قانون سخن گفت. سامانه‌ها متشکل از گفتمان‌ها (شناخت‌ها) و سازوکارهایی هستند که اعمالی را ممکن یا بروز اعمالی در جامعه را مانع می‌شوند. به طور کلی، در اینجا با ابزارها و سازوکارهایی سروکار داریم که در واقع الگوی مناسبات میان قدرت/دانش را شکل می‌دهند. فرمول ساده‌ای در اینجا وجود ندارد، اما داستان از این قرار است که مجموعه‌ای از شناخت‌ها در نسبت با قدرت‌هایی در جامعه از طریق برخی سازوکارها یا ابزارها پیوند می‌خورند تا عملی ممکن یا ناممکن گردد. سامانه نامی برای این مجموعه سرهم‌بندی شده در برهه معینی از تاریخ است که در ادبیات موجود برهه تاریخی «conjuncture» خوانده می‌شود. تصور کنید، با این تعریف چگونه می‌توان به مفهومی مانند «سامانه جمعیت» چنانکه فوکو (۱۳۹۲) از آن یاد می‌کند، اندیشید: دانش‌هایی در حوزه شناخت جمعیت پدید آمدند مانند علم آمار و با نیازهایی در جامعه مانند سرشماری پیوند خوردند که خود این نیازها با خواست اداره و کنترل جامعه مرتبط بود. همه اینها از رهگذر یک سری سازوکارها یا مکانیسم‌هایی ملموس در جامعه حاصل شد. وقتی از سامانه قانون صحبت می‌شود، منظور همین مؤلفه‌های چندگانه است. به بیان

دیگر، با توسل به مفهوم سامانه قانون، در پی درکی پیشینه و گسترده از قانون هستیم.

۱. حاکمیت قانون: ملاحظه روش شناختی

در این مقاله از شاخص «حاکمیت قانون»^۱ استفاده شده است. خوبی استفاده از این شاخص افزون بر امکان مقایسه با دیگر کشورها، بررسی کالبدشکافانه همه ابعاد و مؤلفه‌های قانون در ایران است. جزئیات شاخص حاکمیت قانون را می‌توان در گزارش‌های پروژه جهانی عدالت دید. اینها مجموعه گزارش‌های سالانه‌ای هستند که نظرات ۲۷۰۰ کارشناس و ۹۷۰۰۰ نفر از مردم عادی کشورهای مختلف را بازتاب می‌دهد. داده‌ها از تحقیقی حاصل شدند که پروژه جهانی عدالت در کشورهای گوناگون انجام داده است: اول، نظرسنجی عمومی جمعیت GPP^۲ با نمونه‌ای ۱۰۰۰ نفره از سه شهر بزرگ در هر کشور، در هر سه سال یک‌بار و دوم، داده‌های برآمده از QRQ^۳ شامل پرسشنامه‌هایی بسته است که توسط کارکنان و محققان و دانشگاهیان در نظام کارشناسی مربوط به قوانین مدنی و تجاری، دستگاه قضا، قوانین کار و سلامت عمومی به‌طور سالانه پر شده است.

ویژگی مثبت دیگری افزون بر این داده‌های برآمده از دو جامعه آماری (مردم عادی و خیرگان) نیز در این گزارش دیده می‌شود. داده‌های این گزارش ناظر بر یافتن ردی از نحوه اعمال قانون در رخداد‌های روزمره زندگی هستند. برای نمونه، از پاسخگویان پرسیده شده است که تا چه میزان کارها بدون پرداخت رشوه عملی است، یا اینکه چقدر فعالیت‌های روزمره را بدون ترس از نفوذ سوء پلیس می‌توان انجام داد. افزون بر این، در تعریف شاخص حاکمیت قانون کوشش شد با رجوع به قوانین اساسی کشورها و ادبیات تحقیقی موجود در این کشورها، از نگاه غربی و انگلو-آمریکایی به حاکمیت قانون اجتناب شود. در واقع، کوشش بر این بود تا هر چه بیشتر، این شاخص به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی این کشورها نزدیک شود (Agrast et al., 2014: 6). این البته تلاشی ضروری بود. اگر بناست شاخصی از حاکمیت قانون در چنین مقیاسی و با انگیزه نزدیک شدن به زندگی روزمره مردم این کشورها مورد ارزیابی قرار گیرد، باید از آغاز چنین تمهیداتی نیز اندیشیده می‌شد (Ibid).

-
1. Rule of law
 2. General Population Poll
 3. Qualifies Respondents Questionnaire

«شاخص دبلیو. جی. پی حاکمیت قانون»^۱ با تکیه بر چهار ارزش اساسی، به نه بُعد «قدرت‌های محدود حکومت»^۲، «نبود فساد»^۳، «نظم و امنیت»^۴، «حقوق بنیادین»^۵، «دولت باز [پاسخگو]»^۶، «اجرای ضابطه‌مند»^۷، «نظام عدالت مدنی»^۸، «نظام عدالت کیفری»^۹، «نظام عدالت [عرفی، مذهبی، محلی، اجتماع‌محور، قبیله‌ای] غیررسمی»^{۱۰} و ۴۸ مؤلفه یا زیرفاکتورهای متشکل از ۴۰۰ متغیر اشاره دارد که برآوردی کمی از اعمال قانون در ۹۷ کشور (حدود ۹۰ درصد جمعیت جهان) به دست می‌دهد.

عامل اول به این اشاره دارد که تا چه میزان مسئولان سیاسی توسط قانون محدود می‌شوند. دو دسته ابزارهای قانونی^{۱۱} و نهادی^{۱۲} برای کنترل کارگزاران و صاحب‌منصبان وجود دارد که مراقب پاسخگویی آنهاست. این مجموعه ابزارها از نظارت‌های غیردولتی^{۱۳} مانند تلاش‌های مطبوعات و بخش‌های جامعه مدنی تا نظارت‌های دولتی را دربر می‌گیرد. تفکیک قوا، توزیع اقتدار در نهادهای گوناگون به‌طوری که هیچ ارگانی نتواند قدرتی نامحدود بر دیگر نهادها و بخش‌ها اعمال کند نمونه‌هایی از تلاش‌ها و ابزارها برای بررسی‌های دولتی نهادهای قدرت و دولتی است. دستگاه قضا، آژانس‌های مستقل بازنگری و بررسی نهادمندی قانون، مطبوعات و نهادهای جامعه مدنی در این میان نقش‌آفرینی می‌کنند. در واقع، این بعد از شاخص حاکمیت قانون به امکان‌هایی در جامعه توجه دارد که واریسی و پایش کنش‌های دولت را ممکن می‌سازد. این فرایند نظارت همیشگی شرایط پاسخگو بودن قدرت در جامعه را فراهم می‌کند. این پاسخگویی، مسئولیت کارگزاران در قبال اشتباهات را نیز شامل می‌شود. به علاوه، این مؤلفه به شیوه‌های انتقال قدرت هم اشاره دارد. انتقال دموکراتیک مدنظر نیست، بلکه غرض انتقال قانونی دولت‌ها و حکومت‌ها در

-
1. WJP Rule of Law Index
 2. Limited government powers
 3. Absence of corruption
 4. Order and security
 5. Fundamental rights
 6. Open government
 7. Regulatory enforcement
 8. Civil justice
 9. Criminal justice
 10. Informal justice
 11. Constitutional
 12. Institutional
 13. Non-governmental checks

این جوامع است. عامل دوم ناظر بر غیبت فساد در شماری از نهادهای دولتی است. سه نوع فساد یعنی رشوه‌خواری، نفوذ غیرقانونی و حیف و میل اموال در نسبت با حوزه‌های اجرایی، قضایی، پلیس و قانون‌گذاری سنجیده شد. عامل سوم، سرشت گشوده و باز دولت را می‌سنجد که برای مراقبت‌های مؤثر عمومی ضروری است. وجود قوانین صریح، روشن، فراگیر، در دسترس و پایدار بخشی از متغیرهای این عامل هستند. گشودگی روندهای اداری نسبت به مشارکت مردمی در وضع و اجرای قوانین و دسترسی مردم به اطلاعات رسمی، شامل قواعد و آیین‌نامه‌ها هم در ذیل این متغیر قرار دارند. عامل چهارم، معیارهایی را می‌سنجد که از حقوق بنیادی انسانی محافظت می‌کنند. در عامل پنجم متغیرهای دیده می‌شود که پرسش مهمی را هدف گرفتند: چگونه جامعه از امنیت اشخاص و اموال صیانت می‌کند؟ فاکتور شش به میزان اعمال و اجرای مؤثر و منصفانه قواعد و کنترل‌ها توجه دارد. عامل هفتم به این اشاره دارد که تا چه میزان مردم می‌توانند به نحوی مسالمت‌آمیز، رفع تظلم کنند و از نظام عدالت مدنی سود ببرند. عامل هشت، ناظر بر شاخصه‌های عدالت کیفری است و دست آخر، عامل نهم به نقش نظام‌های عرفی و محلی عدالت شامل نظام‌های قبیله‌ای، سنتی یا دادگاه‌های مذهبی می‌پردازد.

۲. وضعیت حاکمیت قانون در ایران

جدول‌های این بخش خوبی موقعیت ایران را در میان مناطق مختلف دنیا از حیث مؤلفه‌های نه‌گانه نشان می‌دهد. با داده‌های این جداول می‌توان سرنخ‌هایی را جست که با آنها مقدمات پاسخ پرسشی مهم درباره حاکمیت قانون در ایران فراهم می‌شود. پرسش این است که در نسبت با دیگر ملل دنیا وضعیت حاکمیت قانون در ایران چگونه است؟ برای این منظور، رتبه ایران برحسب نه مؤلفه را با داده‌های هفت منطقه در گزارش‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۳-۲۰۱۲ مقایسه کردیم. چنانکه پیداست، به‌طور کلی رتبه ایران در میان بیش از ۹۰ کشور، رتبه‌ای نامطلوب به شمار می‌رود. برای نمونه، از میان ۹۹ کشوری که داده‌های آنها در گزارش سال ۲۰۱۴ آمده است، ایران رتبه ۸۲ را به خود اختصاص داده است. وضعیت ایران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بررسی شده است. مقایسه داده‌های این کشورها با ایران هم در جدول پیش رو آمده است. در سال ۲۰۱۴ امارات متحده عربی بهترین نمره را در منطقه کسب کرده است و با نمره ۰/۶۵ در بازه صفر تا یک در ردیف بیست و هفتمین کشور قرار گرفته است. پس از آن اردن، تونس، لبنان، مراکش و مصر قرار

گرفتند. بر اساس جدول، ایران با نمره ۰/۴۴ کمترین نمره را در میان کشورهای منطقه دارد و رتبه ۸۲ در جهان و رتبه هفتم از هفت کشور منطقه را به خود اختصاص داده است. این منطقه اساساً، در نیمه بالایی رده‌بندی جهانی از نقطه نظر برخی مؤلفه‌ها مانند نظم و امنیت، کنترل فساد، اعمال مؤثر تنظیمات و قواعد، و عدالت کیفری و مدنی مؤثر قرار دارد. اما مشکل جدی که در حاکمیت قانون در این منطقه وجود دارد، به ناتوانی دولت‌های این منطقه در تضمین و صیانت از حقوق بنیادی، دسترسی محدود شهروندان به اطلاعات رسمی و اعمال ضعیف محدودیت‌ها بر قدرت دولت برمی‌گردد. در فهرست کشورهای این منطقه، امارات متحده عربی بهترین وضعیت (رتبه ۲۷) و ایران (با رتبه ۸۲ در میان ۹۹ کشور) بدترین وضعیت را داراست. بر اساس تحلیل روندی که در این گزارش دنبال شده است، به نظر می‌رسد مراکش رشدی قابل توجه و ایران اُفتی قابل توجه را نشان می‌دهد. در مقایسه با دیگر مناطق، مثل آسیای شرقی، ایران رتبه‌ای مطلوب‌تر از کشورهایمانند افغانستان (با رتبه ۹۸)، پاکستان (با رتبه ۹۶)، و بنگلادش (با رتبه ۹۲) و نامطلوب‌تر از هند (با رتبه ۶۶، نپال (با رتبه ۵۷) و سریلانکا (با رتبه ۴۸) دارد.

در جدول ۳ ابعاد دقیق‌تری از وضعیت حاکمیت قانون نشان داده شده است. در سه مؤلفه قدرت محدود شده دولت، حقوق بنیادی و دولت باز، رتبه ایران از همه میانگین‌های موجود بیشتر است. به بیان دیگر، اگر شاخص حاکمیت قانون را با این مؤلفه‌ها بسنجیم، وضع قانون در ایران بسیار نامطلوب است. اما، داده‌های این جدول نشان می‌دهد که از حیث پنج مؤلفه دیگر وضع قانون در ایران چندان هم در نسبت با میانگین دیگر مناطق جهان نامطلوب نیست. رتبه مؤلفه نبود فساد (۴۹) بهتر از میانگین رتبه این مؤلفه برای مناطق اروپای شرقی و آسیای میانه، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، آفریقای مرکزی و منطقه جنوب آسیا؛ نزدیک به میانگین رتبه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا؛ و پایین‌تر از دو منطقه اروپای غربی و آمریکای شمالی و آسیای شرق و اقیانوسیه گزارش شده است. این داده‌ای مهم برای تحلیل جامع‌تر وضعیت حاکمیت قانون در کشور است.^۱ نمونه‌های دیگری هم

۱. در بررسی چنین مؤلفه‌هایی باید به داده‌های دیگر بانک‌های اطلاعاتی هم توجه کرد. نتیجه همیشه خوش‌بینانه نیست. برای نمونه، شاخص احساس یا باور به [وجود] فساد (Corruption Perception Index) شاخصی ترکیبی و مبتنی بر داده‌های برآمده از ارزیابی و سنجش‌های گوناگون فساد در نهادهای معتبر بین‌المللی است که برای سنجش میزان باور به وجود فساد در بخش‌های عمومی جامعه، توسط سازمان بین‌المللی شفافیت از سال ۱۹۹۵ ساخته شده است. نزدیک به ۱۷۷ کشور بر روی طیفی از صفر (به معنای بیشترین باور به وجود فساد) تا صد (به معنای باور به نبود فساد) رتبه‌بندی می‌شوند. از آنجا که فساد^۲

در این جدول دیده می‌شود. برای مثال، رتبه ایران بالاتر از میانگین رتبه مؤلفه نظم و امنیت در سه منطقه آمریکای لاتین و کارائیب، آفریقای مرکزی و منطقه جنوب آسیاست. در مورد مؤلفه اجرای ضابطه‌مند، رتبه ایران (۴۱) مطلوب‌تر از اروپای شرقی و آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا، آمریکای لاتین و کارائیب، آفریقای مرکزی و منطقه جنوب آسیاست. رتبه ایران در این مؤلفه، معادل با میانگین این متغیر در منطقه آسیای شرق و اقیانوسیه و کمتر از فقط یک منطقه یعنی اروپای غربی و آمریکای شمالی است. در مورد عدالت کیفری رتبه ایران (۵۹) در سال ۲۰۱۴، کمتر از اروپای غربی و آمریکای شمالی، آسیای شرق و اقیانوسیه، اروپای شرقی و آسیای میانه و نزدیک به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (۵۴) گزارش شده است. از حیث این مؤلفه، رتبه ایران در سال ۲۰۱۴ بهتر از دو

همیشه پنهان است، راهی برای اندازه‌گیری دقیق تجربی آن وجود ندارد. یک راه معتبر برای به دست آوردن برآوردی از این شاخص در میان کشورها و مقایسه داده‌ها رجوع به احساس یا باور افرادی است که در کشورهای مختلف می‌توانند ارزیابی یا درکی از فساد در بخش عمومی ارائه کنند. کارشناسان و تجار دو منبع مهم این ارزیابی‌ها هستند. تعداد کشورها در گزارش‌های سال‌های مختلف ممکن است قدری متفاوت باشد که ناشی از عدم دسترسی به داده‌های کافی برای تحلیل نهایی است. مثلاً در گزارش سال ۲۰۱۴ از ۱۷۷ و گزارش ۲۰۱۲ از ۱۷۶ کشور یاد شده است. داده‌ها از نهادهای مستقل متخصص در تحلیل فضاهای تجاری و حکمرانی گرفته شده است. رتبه‌های کشورها در دو گزارش سال‌های اخیر (۲۰۱۲ و ۲۰۱۳) با هم قابل قیاس هستند. اما، از آنجا که تغییراتی در روش‌شناسی این مرکز ایجاد شده است، در مورد دیگر سال‌ها این مقایسه توصیه نمی‌شود. برای جزئیات روش‌شناسی این شاخص نگاه کنید به:

- Corruption Perceptions Index 2013: Technical Methodology Note, accessible at:
<http://cpi.transparency.org/cpi2013/results/visited> on April 13, 2014 .

همچنین گزارش توصیفی دقیقی از منابع تامین داده‌ها هم ارائه شده است که به تفکیک سال‌ها می‌تواند متفاوت باشند. برای نمونه، گزارش ۲۰۱۳ مبتنی بر منابعی است که فهرست کامل آنها در آدرس زیر قابل دسترسی است:

- Corruption Perceptions Index 2013: Full Source Description:
<http://cpi.transparency.org/cpi2013/results/> visited on April 13, 2014

جدول ۱. نمره و رتبه ایران بر اساس شاخص باور به وجود فساد به تفکیک سال

سال	رتبه	نمره مقیاس	تعداد کشورهای مورد بررسی
۲۰۱۳	۱۴۴	۲۵ (در بازه ۰-۱۰۰)	۱۷۷
۲۰۱۲	۱۳۳	۲۸ (در بازه ۰-۱۰۰)	۱۷۶
۲۰۱۱	۱۲۰	۷.۲ (در بازه ۰-۱۰)	۱۸۳
۲۰۱۰	۱۴۶	۲.۲ (در بازه ۰-۱۰)	۱۷۸
۲۰۰۹	۱۶۸	۸.۱ (در بازه ۰-۱۰)	۱۸۰

Source: <http://cpi.transparency.org/cpi2013/results>

بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست‌وجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران ۱۹

منطقه آمریکای لاتین و کارائیب و آفریقای مرکزی و برابر با رتبه منطقه جنوب آسیاست.

جدول ۲. مقایسه رتبه ایران با میانگین مناطق مختلف جهان از حیث مؤلفه‌های نه‌گانه به تفکیک گزارش سال‌های

۲۰۱۴ و ۲۰۱۳، ۲۰۱۲

سال ۲۰۱۴ (۹۹ کشور) رتبه کلی ایران ۸۲								سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ (۹۷ کشور) ^۱									
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ایران	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ایران	مؤلفه‌ها	
۶۱	۶۲	۵۹	۵۷	۷۵	۴۵	۱۹	۹۰	۶۰	۶۳	۵۶	۵۳	۵۷	۴۲	۱۲	۸۵	محدودسازی قدرت دولت	
۷۸	۷۱	۶۰	۴۶	۶۳	۳۸	۲۲	۴۲	۷۵	۶۷	۵۷	۴۶	۵۲	۴۰	۱۳	۴۹	نبود فساد	
۶۷	۷۳	۵۳	۶۱	۶۰	۴۴	۲۱	۹۰	۷۱	۷۰	۵۲	۵۷	۵۱	۴۲	۱۴	۷۸	دولت باز	
۷۳	۶۸	۵۰	۷۶	۶۲	۵۲	۱۶	۹۹	۶۹	۶۸	۴۹	۷۶	۴۵	۴۶	۱۲	۹۷	حقوق بنیادی	
۸۰	۷۴	۷۹	۴۳	۴۲	۲۷	۲۶	۷۷	۸۲	۷۱	۷۲	۴۸	۳۷	۳۱	۱۷	۶۲	نظم و امنیت	
۸۲	۶۹	۵۸	۴۶	۵۸	۴۷	۲۱	۴۱	۷۵	۶۸	۵۴	۴۹	۵۱	۴۱	۱۴	۴۱	اجرای ضابطه‌مند	
۸۸	۶۰	۶۷	۴۹	۵۵	۴۸	۲۱	۳۸	۸۱	۵۸	۶۳	۴۶	۴۹	۴۶	۱۴	۲۸	عدالت مدنی	
۶۶	۶۵	۷۴	۴۸	۶۱	۳۹	۲۰	۶۳	۵۹	۶۷	۶۸	۵۴	۵۰	۳۳	۱۴	۵۹	عدالت کیفری	

source: Agrast et al., 2013; 2014

۱= منطقه اروپای غربی و آمریکای شمالی، ۲= آسیای شرق و اقیانوسیه، ۳= اروپای شرقی و آسیای میانه، ۴= خاورمیانه و شمال آفریقا، ۵= آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، ۶= آفریقای مرکزی و ۷= جنوب آسیا

با تکیه بر داده‌های جدول بالا می‌توان به نتیجه جالبی دست یافت. اگر مؤلفه‌های نه‌گانه شاخص حاکمیت قانون را به دو بخش تقسیم کنیم، نگاه تفکیک‌شده‌تری به حاکمیت قانون در کشور به دست می‌آید. بخش اول، مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود که ابعاد حاکمیتی نظام را دربر می‌گیرد و به اصطلاح بخشی از رفتار نظام (به معنای کل) است. قدرت محدود دولت، دولت باز و حقوق بنیادی سه مؤلفه از این دست هستند. افت شدید شاخص حاکمیت قانون در ایران براساس داده‌های بین‌المللی به این بخش مربوط است. چنانکه در جدول دیدیم، رتبه ایران در این سه مؤلفه از میانگین رتبه همه مناطق هفت‌گانه جهان کمتر است. در مقابل، دسته دوم مؤلفه‌ها بیشتر ناظر بر رفتار دولت در معنایی است که ما در ایران منظور می‌کنیم. بگذارید از رفتار کابینه دولت یاد کنیم؛ مشاهده شد که پنج مؤلفه از میان مؤلفه‌های شاخص حاکمیت قانون نشان دادند، در مقایسه با میانگین رتبه‌های مناطق

۱. رتبه کلی ایران در گزارش این سال دیده نمی‌شود.

مختلف جهان رتبه ایران چندان هم ناامیدکننده نیست و در پاره‌ای اوقات بسیار مطلوب‌تر از برخی کشورهایی است که در نظام رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون در مرتبه‌ای بالاتر از جایگاه ایران قرار گرفتند.

در جدول ۳ نمره متغیرهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌های هشت‌گانه شاخص حاکمیت قانون گزارش شده است. حُسن این داده‌ها به امکانی برمی‌گردد که برای نگاه تفصیلی‌تر به نحوه حضور مؤلفه‌های حاکمیت قانون در کشور لازم است. چنانکه در جدول پیداست، در مؤلفه اول، اعمال محدودیت بر قدرت دولت، سه بعد اصلی گنجانده شده است که شامل نظارت‌ها و اعمال قدرت از سوی قوه مقننه، نهادهای مدنی و قانون اساسی را شامل می‌شود. در سال ۲۰۱۴، پایین‌ترین نمره‌ها به دو بعدی مربوط است که میزان مداخله نهادهای مدنی در حاکمیت قانون را می‌سنجند (ابعاد ۱/۳ و ۱/۵). در گزارش ۲۰۱۲ کمترین نمره به مجازات کثرونی‌های رسمی است (بعد ۱/۴). ذیل مؤلفه نبود فساد، در سال ۲۰۱۴ کمترین نمره به بعد نبود فساد در پلیس اختصاص دارد (بعد ۲/۳) و در سال ۲۰۱۲ مورد نبود فساد در قوه مقننه (بعد ۲/۴) نمره بسیار پایینی را نشان می‌دهد. این مورد اخیر در کنار به رسمیت شناختن حق حریم خصوصی (بعد ۴/۶) از کمترین نمرات در جدول داده‌ها یا وخیم‌ترین ابعاد حاکمیت قانون در این دو گزارش به شمار می‌رود. در هر دو گزارش کمترین نمره مربوط به مؤلفه دولت باز و بعد از آن دسترسی به اطلاعات (بعد ۳/۴) است. مؤلفه حقوق بنیادی از وخیم‌ترین مؤلفه‌هاست. در بعد حق حیات و امنیت با نمرات ۰/۱۴ و ۰/۱۹ برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۳، به ترتیب، افت شدیدی در حاکمیت قانون دیده می‌شود. این بعد به نظر می‌رسد تأثیر زیادی بر رتبه ایران در مقیاس جهانی گذاشته است. چنانکه مشاهده شد، در این مؤلفه میانگین رتبه ایران از میانگین رتبه این مؤلفه در همه هفت منطقه کمتر است.

با وجود این، باید مراقب پدیده‌ای بود که می‌توان میزان باورپذیری شاخص در زمینه اجتماعی از آن یاد کرد. باورپذیری به نحوه حضور شاخص مورد نظر در زندگی روزمره اشاره دارد. ابعاد مؤلفه امنیت و نظم، نمرات خوبی را نشان می‌دهند. در مجموعه این مؤلفه در کنار مؤلفه اعمال قانون (مؤلفه ۶) و مؤلفه عدالت مدنی (مؤلفه ۷) وضعیت نسبتاً مطلوبی دارند. در مؤلفه هشت، نمره بعد ۸/۶ قابل توجه است. این بعد نشان می‌دهد که تا چه میزان فرایندهای قانونی فارغ از نفوذهای غیرقانونی اجرا می‌شوند. این نمره در سال‌های مورد نظر

بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست‌وجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران ۲۱

در نسبت با دیگر ابعاد پایین گزارش شده است.

جدول ۳. نمره ابعاد فاکتورهای هشت‌گانه شاخص حاکمیت قانون در ایران به تفکیک سال

مؤلفه	ابعاد مؤلفه	۲۰۱۴	۲۰۱۳-۱۲	مؤلفه	ابعاد مؤلفه	۲۰۱۴	۲۰۱۳-۱۲
محدودسازی قدرت دولت	محدودیت‌ها به واسطه قوه مقننه	۰/۴۸	۰/۴۹	نظم و امنیت	نبود جرم	۰/۵۴	۰/۶۹
	محدودیت‌ها به واسطه قوه قضا	۰/۴۷	۰/۴۱		نبود تضادهای مدنی	۰/۹۲	۰/۶۶
	حسابرسی‌های مستقل	۰/۲۴	۰/۳۹		نبود جبران خسارت (فریادرسی) خشن	۰/۴۴	۰/۶۷
نبود فساد	مجازات‌ها برای سوءرفتارهای رسمی	۰/۳۲	۰/۲۹	اجرای ضابطه‌مند	اجرای ضابطه‌مند مؤثر	۰/۵۷	۰/۵۵
	نظارت‌های غیردولتی	۰/۲۳	۰/۳۱		نبود نفوذهای غیرقانونی (سوء)	۰/۵۵	۰/۵۵
	انتقال قانونی قدرت	۰/۴	۰/۳۳		نبود تأخیر ناموجه	۰/۵۱	۰/۵۸
حکومت باز	نبود فساد در قوه مجریه	۰/۴۸	۰/۴۶	عدالت مدنی	رعایت تشریفات قانونی	۰/۴۹	۰/۴۴
	نبود فساد در قوه قضا	۰/۵۱	۰/۵۴		نبود مصادره (خلع‌ید) بدون جبران‌های مناسب	۰/۵۵	۰/۶۱
	نبود فساد در پلیس/نیروی نظامی	۰/۶	۰/۳۷		دسترس‌پذیری و از عهده هزینه برآمدن	۰/۵	۰/۶۳
حقوق بنیادی	نبود فساد در قوه مقننه	۰/۴۲	۰/۱۱	عدالت کیفری	نبود تبعیض	۰/۵۲	۰/۶۲
	قوانین دسترس‌پذیر	۰/۴۲	۰/۵۹		نبود فساد	۰/۵۴	۰/۵۷
	قوانین پایدار	۰/۴۴	۰/۴۰		نبود اثرگذاری سوء دولتی	۰/۴	۰/۵۷
	حق دادخواهی/ مشارکت	۰/۲۸	۰/۳۹		نبود تأخیر ناموجه	۰/۶۳	۰/۵۳
	حق دسترسی به اطلاعات	۰/۲۲	۰/۱۶		اجرای مؤثر	۰/۶۵	۰/۶۹
	عدم تبعیض	۰/۴۶	۰/۴۶		حل‌وفصل‌های بی‌طرفانه و مؤثر اختلافات	۰/۷	۰/۷۶
	حق زندگی و امنیت	۰/۱۴	۰/۱۹		بررسی‌های مؤثر	۰/۳۹	۰/۵۹
	رعایت موازین (تشریفات) قانونی	۰/۳۴	۰/۳۹		قضاوت‌های بهنگام	۰/۴۵	۰/۵۰
	آزادی بیان	۰/۲۳	۰/۳۱		نظام اصلاح و درمان مؤثر	۰/۴۲	۰/۴۹
	آزادی مذهب	۰/۱۳	۰/۱۵		نبود تبعیض	۰/۳۲	۰/۳۳

ادامه جدول ۳

مؤلفه	ابعاد مؤلفه	۲۰۱۴	۲۰۱۳-۲۰۱۲	مؤلفه	ابعاد مؤلفه	۲۰۱۴	۲۰۱۳-۲۰۱۲
	حق حریم خصوصی	۰/۰۸	۰/۰۸		نبود فساد	۰/۵۳	۰/۴۹
	آزادی انجمن‌ها	۰/۲۱	۰/۲۸		نبود تأثیرات سوء دولتی	۰/۲۲	۰/۳۸
	حق کار	۰/۲۸	۰/۳۳		رعایت موازین قانونی	۰/۳۴	۰/۳۹

Source: Agrast et al., 2013; 2014

مشاهده می‌شود که چگونه با شاخص حاکمیت قانون می‌توان با ظرافت و دقت بیشتری به مسئله قانون در ایران فکر کرد. با ابعاد و متغیرهای این شاخص می‌توان میان ساحت حاکمیتی و ساحت دولتی تمایز نهاد. تمایزی که البته در رتبه‌بندی‌های حاصل از شاخص حاکمیت قانون انجام نشده است، اما داده‌هایی از دل این شاخص به دست می‌آید که این جدایی تحلیلی را ممکن می‌سازند. نتیجه چنین تمایزی نشان می‌دهد که از قضا در برخی مؤلفه‌ها رتبه ایران در مقایسه با میانگین دیگر مناطق چندان هم نامطلوب نیست. هر چند در مورد مؤلفه‌هایی که برآوردی از ساحت حاکمیتی در اختیار می‌نهند وضعیت دگرگونه است. اما، شناخت وضع موجود حاکمیت قانون زمانی به نتیجه‌ای درخور منجر می‌شود که نظریه‌ای برای تبیین چگونگی تغییر این وضعیت به وضعی مطلوب‌تر تدارک دیده شود.

۳. هنر حکومت قانون

به نظر می‌رسد مسئله قانون در ایران گرفتار دو گانه دولت/ملت یا دولت/مردم است. جان کلام اینکه تحقیقات درباره قانون نشان می‌دهد: تضادی نفس‌گیر میان دولت از یک سو و مردم یا ملت از سوی دیگر وجود دارد (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲؛ آجودانی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد مردم قانون را نه امری اجتماعی (مربوط به جامعه) که به نوعی مبین تدبیر امور اجتماعی و بین‌الاشخاصی است، بلکه آن را امری مربوط به سیاست و به‌ویژه در خدمت دولت دیدند. تعابیری که بر فقدان سرمایه اجتماعی، اعتماد، یا مسئله استبداد اشاره دارند، شاید همین ایده را بازتولید می‌کنند که عدم تمکین به قانون در میان مردم محصول این تلقی است که قانون را، دست آخر، حامی منافع دولت می‌پندارد. از این رو قانون‌گریزی صفت شهروندان به شمار می‌آید و در همه تحقیقات مشاهده شد که چگونه در لحظه آخر، فرد در مرکز تحلیل قانون قرار می‌گیرد. در مقابل، ما در این مقاله به دنبال فراگذشتن از

این دو گانه‌ایم. از این رو، باید به چند مفروضهٔ اساسی اشاره کنیم: نخست، قانون به مثابه رفتار نظام (سیستم در معنای جامعه‌شناختی‌اش) در مرکز توجه قرار دارد. در تحلیل تمکین/عدم تمکین به قانون یک ایده محوری می‌تواند این باشد که باید تعادلی نظری میان دو برداشت ساختارگرا از یک سو و فردگرا از سوی دیگر حاصل شود. مطابق با تحلیل ساختارگرا، چه قانون‌گریزی و چه تمکین به قانون نتیجه ترتیبات ساختاری جامعه است. فارغ از ویژگی‌های فردی، چنین موقعیت‌های ساختاری، امکان‌های گریز از قانون را کاهش می‌دهند. این رویکرد بسیار جذاب و فریبنده است. اما تجربه نشان می‌دهد: هر چند ساختارها در ایجاد شرایط پذیرش قانون در جامعه نقشی جدی دارند، اما پرسشی مهم وجود دارد مبنی بر اینکه دوام و قوام خود ساختارها نیازمند عواملی غیرساختاری است. از همین جاست که مسئله مهم بازتولید ساختارها رقم می‌خورد. وقتی پای بازتولید به میان کشیده می‌شود، تحلیل ساختاری قادر به تدارک توضیحی بسنده از شرایط بازتولید نیست. از آنجایی که ساختارها کاری انجام نمی‌دهند، چنانکه گیدنز (۱۳۸۴) اذعان داشته است، عمل اجتماعی فقط از کنشگران سر می‌زند. از همین رو، باید باب رویکردهایی را باز کرد که بر کنشگران هم اشاره دارند. با وجود این، باید مراقب وسوسه‌های تحلیل مبتنی بر نظریه‌های کنش نیز بود. ابهام بزرگی که در این دسته از تحلیل‌ها وجود دارد، ناشی از ناتوانی آنها در تحلیل پیامدهای ناخواسته کنش‌های افراد است. مشکل دقیقاً از جایی شروع می‌شود که واقعیت اجتماعی همیشه بیش از حاصل جمع صوری یا انبوهش کنش‌های افراد باشد، چنانکه کلمن (۱۳۷۷) اذعان داشته است. دوم، حاکمیت قانون، امری تکنیکال و فنی است نه امری ایدئولوژیک. تفاوت این دو سطح به معنای جایگزین کردن حاکمیت قانون در نتیجه توجیه ایدئولوژیک یا از آن مهم‌تر، تضاد ایدئولوژیک، با حاکمیت قانون در نتیجه اعمال برخی استراتژی‌ها و تکنیک‌هاست. مفهوم حکومت‌رانی فوکو ابزار لازم برای چنین تحلیلی را فراهم می‌سازد. حُسن این رویکرد در نقشی است که برای مداخله در فرایند امور فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، با توسل به ایده حکومت‌رانی به دنبال سرنخ‌هایی هستیم با آنها می‌توان مداخلات سیاست‌گذارانه را قوت بخشید.^۱

ایده حکومت‌رانی^۲ با درک متفاوتی که از دولت عرضه می‌کند، زمینه نگاه تازه به

۱. برای کاربست این ایده در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی رجوع شود به: بنت، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۴.
۲. فوکو در سلسله درس گفتارهایی این ایده را به خوبی مورد بحث قرار داده است. برای بحثی جالب درباره چرخش‌های مفهومی فوکو به ویژه درباره قدرت رجوع شود به:

رابطه دولت و جامعه را فراهم می‌سازد. در این ایده است که دولت به طرز متناقض‌نمایی از مرکزیت می‌افتد. در حالی که دولت همچنان بازیگر مهمی در اداره جامعه به شمار می‌رود، اداره با فاصله یا «اداره از راه دور»^۱ (Rose & Miller, 1992) را رقم می‌زند. دولت در این برداشت دیگر سوژه مرکزی تاریخ نیست، بلکه فقط «حامی فناوری»ها یا فقط «معلول استراتژی‌های حکومتی»^۲ است (Rose et al., 2006). به بیان دیگر، نمی‌توان دولت را تنها منبع انتظام اجتماعی دانست، چراکه چنین نظمی مستلزم کنش‌هایی است که «ادارهٔ نفس»^۳، کنش‌های دیگران و مناسبات درون جمعیت را موضوع خود قرار می‌دهد. شبکه چنین کنش‌هایی لزوماً فاقد مرکزی واحد و در واقع، خود دولت بخشی از این فرایند است (Pearce & Tombs, 1998: 567).

رُز و میلر (۱۹۹۲) در تحلیل خود از لیبرالیسم و دولت رفاه‌گرایی، نظریه حکومت‌رانی را حول چند فرض بنیادی خلاصه کردند: نخست، تحلیل قدرت بر حسب پروبلماتیک حکومت. به جای تأکید بر «مسئله دولت» در بحث‌های سیاسی و نظریه اجتماعی، استدلال این است که ابزارها و اتحادهای بسیاری میان مراجع مختلف سیاسی و سایر مراجع (به ظاهر غیرسیاسی) اقتدار وجود دارد که فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفتارهای فردی را کنترل می‌کند. دوم، این معادله (از راست به چپ) عقلانیت سیاسی + تکنولوژی‌های حکومت‌رانی = توسعه شناخت‌ها و ابزارها + قدرت خبرگان، بسیار تعیین‌کننده است. سوم، فرض اداره از راه دور. در این شیوه، مکان‌ها، هستارها^۴ و افراد خاص حکومت شکل می‌گیرند با استقلالی نظام‌دار^۵. مراجع مختلف اقتصادی، قانونی، روانی، پزشکی و فنی، پروژه‌ها، برنامه‌ها و کردارهایی را سامان می‌دهند تا زندگی مردم را در پرتو مفاهیمی مانند نرمال، بهداشتی، خوب و کارآمد و مباح اداره کنند. پس طبیعی است که شناخت و دانش، محور این دسته از فعالیت‌هاست. «حکومت قلمرو شناخت، محاسبه، آزمایش و

©- Stephen J. Collier (2009). Topologies of Power: Foucault's Analysis of Political Government beyond 'Governmentality', Theory, Culture & Society, 26 (6): 78-108 .

1. Governing at a distance
2. Governmental
3. Governance
4. Self
5. Locale
6. Entities
7. Regulated autonomy

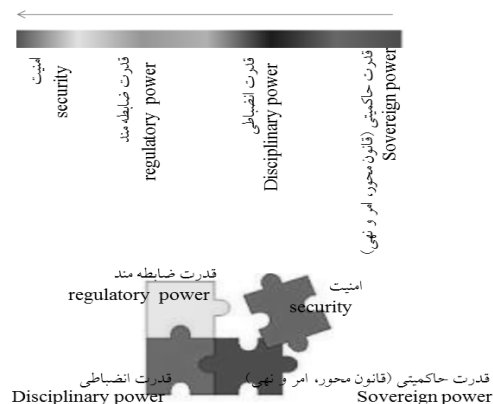
ارزش‌گذاری است» (Rose & Miller, 1992: 175). از سوی دیگر کار خیرگان بسیار مهم است. آنها شبکه‌ای فراگیر برای کنترل اجتماعی را فراهم نمی‌سازند، بلکه «اداره جنبه‌های مختلف رفتار از طریق تاکتیک‌های محلی، رقیب و بی‌شمار آموزش، ترغیب، القاء، مدیریت، تهییج، تحریک و تشویق» را ممکن می‌سازند (Ibid). چهارم، اعمال قدرت به معنای تحمیل محدودیت بر شهروندان نیست. این فرض نیازمند درکی دیگر از قدرت است: استراتژی‌هایی برای عمل بر روی اراده، محیط و شرایط زندگی جمعیت. قدرت، تمهیدات، رویاها، استراتژی‌ها و مانورهای مراجع اقتدار را شامل می‌شود. استقلال فردی آنتی‌تز قدرت سیاسی نیست، بلکه محمل کلیدی آن است. افراد صرفاً تابع قدرت نیستند، بلکه در اعمال آن نقش دارند (فوکو ۱۳۸۹: ۲۶۱).

با این برداشت، دیگر نمی‌توان تصور کرد دولتی وجود دارد که همه قدرت را در اختیار خود گرفته است و در برابر آن، متابعانی وجود دارد که فاقد چنین قدرتی هستند. اداره جامعه از اساس، مبتنی بر فنون و فناوری‌هاست که ضرورتاً محلی و چندگانه‌اند. از طریق این تکنیک‌هاست که الف) تجربه‌های خاص افراد، ب) اشکال خاصی از رابطه با دیگران و ج) اشکالی از عمل بر نفس‌ها مان شکل می‌گیرد. این تکنیک‌ها از پیش آماده نیستند و باید ابداع، تعدیل و تثبیت شوند. باید به شیوه‌های مختلف از طریق کردارهای مختلف در مدارس، خانواده‌ها، خیابان، محل‌های کار، دادگاه‌ها و مانند اینها مستقر و منتشر شوند. در واقع، «حکومت فعالیت‌های کمابیش عقلانی و محاسبه شده است که عوامل و اقتدارهای چندگانه‌ای آن را انجام می‌دهند که تکنیک‌های مختلف و اشکالی متنوع از شناخت را به خدمت می‌گیرند تا از طریق عمل بر روی امیال، تمنیات، علائق و باورها، رفتارهای مان را برای اهدافی معین اما متغیر و با مجموعه‌ای متنوع از پیامدها، تأثیرات و نتایج نسبتاً پیش‌بینی‌ناپذیر شکل دهند» (Bennett, 2004:71).

مسئله حکومت، به خلاف اداره مبتنی بر قدرت حاکمیتی^۱ جامعه که در آن نیروی مرکزی (با نام‌های مختلفی مانند شاه یا دولت) عمل می‌کند، ابزار مفهومی تازه‌ای است که درک متفاوتی از سوژه قانون و از آن مهم‌تر، نسبت اخلاق با قانون را سبب می‌شود. در تلقی پیشین از قانون بر این نکته پافشاری می‌شد که رعایت قانون دو طرف درگیر دارد که یک طرف (دولت) عامل کنترل و طرف دیگر همیشه تحت مراقبت و نظارت برای تمکین

1. Sovereign power

به آن است. در مقابل، چنانکه مشاهده شد، حکومت‌رانی قائم به فناوری‌های قدرتی است که، هم‌زمان، فناوری‌های نفس از یک سو و تکنولوژی‌های سلطه بر دیگران هستند. به بیان دیگر، «حکومت‌رانی بر رابطه اخلاقی نفس با نفس دلالت دارد و ناظر بر استراتژی‌هایی است برای هدایت رفتار افراد آزاد» (Dean, 1994: 174). در اینجا با دو دسته کردار و رویه‌ها سروکار داریم که به بیان دین (۱۹۹۴) «کردارهای نفس»^۱ و «کردارهای حکومت»^۲ هستند. هم‌آمیزی این دو دسته رویه‌ها و کردارها به نظام دقیق‌تر و کارآمدتری از اعمال قدرت در جامعه منجر می‌شود. با این رویکرد می‌توان به سادگی درک کرد که چگونه متابعان دولت - ملت‌های غربی به شهروندانی مطیع قانون تبدیل شدند. در این فرایندها سوژه‌های اجتماعی خاصی شکل گرفتند که خود، عامل اقدام کنترل بر خود شدند. به بیان دیگر، عمل قانونی، دیگر رفتاری حاصل از فشار نیروهای بیرونی نیست، بلکه به بخشی از اخلاقیات و وجدانیات افراد تبدیل می‌شود.^۳ جالب آنکه به نظر فوکو این تغییر، از سوژه‌های تابع به شهروندان نظم‌پذیر، نه محصول ایدئولوژی قانون و نظم در جامعه که در سنت مارکسیستی به‌ویژه مورد تأکید بوده است، بلکه حاصل تکنیک‌های حکومت است.



شکل ۱. دو شیوه تحلیل قدرت در آثار فوکو (درک خطی و درک توپولوژیکال)

Source: Collier, 2009

1. Practices of the self
2. Practices of government

۳. درباره نسبت میان اراده فردی با تکنیک‌های حکومت‌رانی در نظریه فوکو رجوع شود به: Mark Bevir (2010). "Rethinking governmentality: Towards genealogies of governance", *European Journal of Social Theory*, 13 (4): 423-441.

با این رویکرد، هر دوره‌ای محصول ترکیب متفاوتی از قدرت‌های مختلف در برهه‌ای خاص و در نسبت با مسئله‌ای منحصر به فرد است. بهترین تعبیر برای چنین وضعیتی را باید در مفهوم «اسمبل»^۱ از برونو لاتور یافت. این مفهوم به چیزی اشاره دارد که کولیه با «الگوهای پیوستگی میان اشکال مختلف قدرت» یا «الگوهای پیوستگی میان فناوری‌های مختلفی از قدرت» توضیح می‌دهد. این نظام پیوستگی^۲ متشکل از عناصر ناهمگونی از تکنیک‌ها، آرایش‌های نهادی، اشکال مادی و دیگر فناوری‌های قدرت است که با هم ترکیب می‌شوند و پیکربندی خاصی را سامان می‌دهند. کولیه ترجیح می‌دهد تا نظام پیوستگی فوکویی را ذیل مفهوم توپولوژی قدرت تعبیر کند (Collier, 2009: 89).

۴. خودرورانی مثالی از حکومت‌رانی

تا این بخش از مقاله تلاش شد نشان دهیم که چگونه با توسل به مفهوم حکومت‌رانی می‌توان از دو مرکزیت رایج در تحلیل قانون در ایران دوری کنیم و جایگزین‌های دیگری را برجسته‌سازیم. در گام اول، از مرکزیت دولت در امر قانونی گذشتیم و در گام دوم، سعی کردیم از خود قانون به مثابه یگانه ابزار اداره جامعه مرکزیت‌زدایی یاد کنیم. در هر دو مورد، ایده حکومت به جای دولت محور فعالیت نظری در این مقاله بود. مشاهده شد که اداره از راه دور جامعه به جای تمرکز بر ایده قانون به مدد تکنیک‌ها و فناوری‌های مبتنی بر عقلانیت‌های خاص اداره جامعه به برنامه‌های حکومت منجر می‌شوند که با ترکیبی از کاربست‌های قدرت، اداره مناسب جامعه را ممکن می‌سازند. برای فهم دقیق‌تر این مناسبات نسبتاً پیچیده با توسل به مقاله‌ای از دوج و کیچن (۲۰۰۷) در حوزه کنترل رفتار رانندگی نمونه‌ای از کاربست ایده حکومت‌رانی ارائه می‌شود. نویسندگان دو مفهوم governmentality و automobility به معنای خودرورانی (که شباهت‌های لفظی نیز دارند) را با هم مقایسه می‌کند و معتقدند که هیچ‌گاه اسطوره آزادی جاده^۳ وجود نداشته است. از همان ابتدا، خودرو تحت نظارت و مداخله حکومت بوده است، اما سازوکار این مداخله از همان آغاز برای تقویت خودانضباطی^۴ بوده است. بنابراین پرسش اصلی که نویسندگان به دنبال

-
1. Assemblage
 2. System of correlation
 3. Freedom of road
 4. Self-disciplining

پاسخ به آن هستند، این است که چگونه نرم‌افزارها تدبیر رانندگی را تغییر می‌دهند و چگونه چنین تدبیری فضاها را خودروسواری را دگرگون ساخته است (Dodge & Kitchin, 2007:265). دعوی نویسندگان این است که تحولی مهم در سرشت این تدابیر رخ داده است. حرکت از نظام‌های تنظیم مبتنی بر نظارت الیگواپتیک^۱ به سوی نظام‌های مکانیزه^۲ مدیریت مبتنی بر نرم‌افزار است.^۳ این نرم‌افزارها ناظر بر افزایش ضریب خودانضباطی سراسرین^۴ است. از طرف دیگر، این فرایندهای کدمحور اطلاعاتی افزون بر دیسپلینه کردن، تغییر شکل رفتاری را هم ممکن می‌سازند. نقش کلیدی با نرم‌افزارهایی است که واسط میان راننده، وسیله و زیرساخت‌های جاده‌ای هستند (Ibid).

ترکیب پیچیده این نرم‌افزارها را به خوبی می‌توان دید. نکته مهم در مفصل‌بندی و ترکیب داده‌ها این است که نخست، داده‌ها از منابع مختلفی در جاده‌ها، خیابان‌ها، خودروها گرد می‌آیند. «رسانه‌های هوشمند»^۵ نمونه خوبی است که نوعی فناوری‌های دیجیتالی و شبکه‌ای است که توسط نرم‌افزارهای رایانه‌ای کنترل می‌شوند. در این ابزارها داده‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند و نظام کارای مدیریت جاده‌ها را سامان می‌دهند. در لندن سامانه‌ای وجود دارد با نام clashboard که ۳۰۰ معرف یا شاخص عملکرد شبکه جاده‌ای را گردآوری و تحلیل می‌کند. یا در مثالی دیگر، برنامه SCOOT: split cycle offset optimization technique عملکرد چراغ‌های ۲۴۰۰ تقاطع را تجزیه و تحلیل می‌کنند. دوم، مرجع استفاده‌کننده هم متنوع است. در واقع، این پرسش همیشه مهم است که چه کسی از این حجم داده‌ها سود می‌برد. در برداشت دولت‌محور پاسخ روشن است: دولت‌ها از این داده‌ها برای کنترل جامعه سود می‌برند. اما پاسخ‌های دیگری هم وجود دارد. برای نمونه، این داده‌ها برای راننده‌ها هم مفید است. اگر بناست اداره مبتنی بر ایده حکومت جامعه را بپذیریم، باید به سهم خود شهروندان در اعمال قواعد حکومت هم توجه کنیم. این نقش چنانکه پیش‌تر گفته شد، نقشی برآمده از تلاشی ایدئولوژیک یا هژمونیک نیست، بلکه

1. Oligoptical

2. Automated

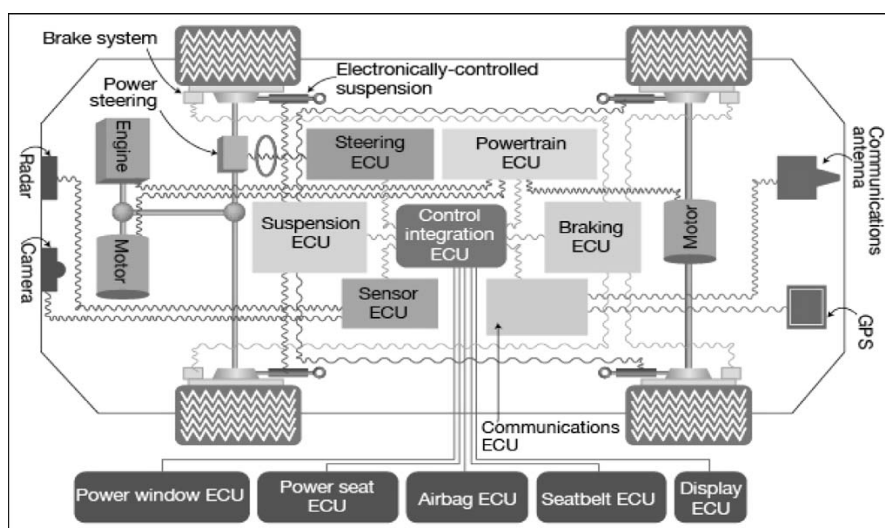
۳. برای بررسی دقیق‌تر رجوع شود به:

- Rob Kitchin, Martin Dodge (2011). Code/space: Software and Everyday Life, The MIT Press.

4. Panoptic

5. Smart media

محصول کوشش شهروندان برای اداره خودخواسته زندگی‌های روزمره‌شان است. در این مثال، رانندگی نیازمند تصمیم‌های مهمی است که این داده‌ها می‌توانند به راننده در شکل‌دهی به رفتار کمک کنند. از این رو، داده‌ها هم برای ارزیابی در مراکز تصمیم‌گیری و هم در اختیار رانندگان قرار می‌گیرد. برای مثال، شرکت فورد همراه با چند شرکت حمل‌ونقل در چند شهر آمریکا نوعی فناوری را عرضه کرده است که در آن وسیله نقلیه و جاده با هم در پیوند قرار می‌گیرند تا داده‌هایی را به راننده بدهند که هنگام راه‌بندان‌ها یا هوای بد تصمیمی مناسب بگیرد (Ibid: 267).



Source: Dodge & Kitchin, 2007:267

شکل ۲. استفاده ترکیبی از نرم‌افزارها و سامانه‌های الکترونیکی در کف خودروها

ایده حکومت به جای دولت، نیازمند داده‌سازی‌های متنوع است. در شکل بالا نشان داده شد که چگونه واحدهای الکترونیکی کنترل‌مانند جعبه سیاهی برای خودرو عمل می‌کنند. این واحدها، داده‌های فراوانی را در خود ذخیره می‌کنند تا به وقت لزوم از آن استفاده شود. چنانکه پیش‌تر گفته شد، مراجع گوناگونی مشتریان استفاده از این داده‌ها به شمار می‌روند. برای نمونه، شرکت‌های سازنده، شرکت‌های بیمه، والدین برای کنترل عملکرد

1. ECU: electronic control units

فرزندانشان، شرکت‌های کرایه خودرو، همگی برای کنترل عملکردها و ارزیابی‌های کارشناسانه که هر عملی منوط به آنهاست، به چنین داده‌هایی نیاز دارند. در این مثال نشان داده شد که چگونه نگاهی فنی به اداره امور ما را از اداره صرفاً قانون‌محور جامعه دور می‌سازد و شیوه‌های تازه‌ای را پیش‌رو می‌نهد که محاسبه‌پذیر و روان‌تر است. وقتی این داده‌ها با این دقت و ظرافت در اختیار باشد، اجرای قاعده‌ها از جمله تنظیماتی که دولت برای اداره جامعه وضع می‌کند چندان دشوار نیست.

با این توصیف، در مورد مثال رانندگی، به سوی مدل جدیدی از مدیریت رفتار افراد در حرکتیم. دوج و کیچن آن را «مدیریت خودکار»^۱ می‌نامند. این شیوه مدیریت با مدل موجود و سنتی فرق دارد. ریشه تفاوت در دو سازوکار متفاوت مدیریت است. سازوکار سنتی همان «نظام نظارت»^۲ است و سازوکار جدید به «نظام دام‌گذاری»^۳ معروف است. تفاوت این دو در فاصله میان دو سطح شناسایی خطا از یک سو و تغییر رفتار از سوی دیگر نهفته است. در سیستم سنتی برای مثال، شما ممکن است بدون بستن کمربند، رانندگی کنید؛ ممکن است دیده شوید یا نه. اگر دیده شوید، ممکن است جریمه و تنبیه شوید. نتیجه همه این رخدادها این نیست که لزوماً تعدیل رفتار هم صورت خواهد گرفت. در نظام جدید مدیریت، این رفتار به شیوه خودکار صورت می‌گیرد. تصور کنید تا کمربند نبستید، ماشین استارت نخورد. معنای تغییر شکل رفتار همین است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شد تا نشان دهیم مسئله قانون نیازمند برخی مرکززدایی‌هاست. مرکززدایی از دولت به‌عنوان قهرمان حاکمیت قانون در جامعه یکی از مهم‌ترین آنهاست. در ادامه همین فرایند مرکزیت‌زدایی است که از خود قانون هم مرکززدایی می‌شود. تفاوت‌های دو مدل نظارت و دام‌گذاری را شرح دادیم تا ضمن ارائه مثالی از ایده حکومت (حکومت‌رانی) به جای ایده دولت، نشان دهیم چگونه می‌توان از قانون به مثابه امری اقناعی و ایدئولوژیک به نفع قانون در معنای فنی مرکززدایی کرد. حال پرسش مهم این است که با کدام برنامه‌ها می‌توان جامعه‌ای منظم‌تر داشت. شاید با توجه به خاستگاه

-
1. Automated management
 2. Surveillance
 3. Capture

نظری ما در این مقاله، مطالعات فرهنگی، باید به جای جامعه‌ای منظم‌تر از جامعه‌ای پاسخگو تر سخن گفت. مفهوم جامعه پاسخگو در معنای موسع آن مورد نظر است که دولت و شهروندان را در برمی‌گیرد و به شفافیت و تعهدات اجتماعی طرفین اشاره دارد. با این منطق، هرگز به دنبال ارائه فرمولی برای به بند کشیدن جامعه توسط تکنیک‌های حکومت نیستیم. مسئله به فرایندهایی برمی‌گردد که برای بهبود اوضاع اجتماعی، ایجاد برابری و عدالت در جامعه، و کوتاه کردن دست‌اندازی‌های اقتدارهای رسمی و غیررسمی از زندگی‌های شهروندان و دست‌آخر، کاهش رنج اجتماعی گروه‌های به‌ویژه آسیب‌پذیر جامعه ضرورت دارند. به همین دلیل پروژه قانون در ایران می‌تواند در مرکز توجهات مطالعات فرهنگی ایرانی قرار گیرد. به‌طور متناقض‌نمایی، شاهد پدیده‌ای متفاوت در ایران هستیم؛ بخش عمده‌ای از رنج‌های ما ناشی از نبود حداقل‌های قانونی و نظم و انضباط در جامعه است. به فساد اداری و پیامدهای ناگوارش برای زندگی‌های ایرانیان و رنج‌های ناشی از آن فکر کنید. از این رو، روشنفکر مطالعات فرهنگی در جایی است که رنج و مشکلات مردم در آنجا فراوان است.

به منظور پیشنهاد راهبردهایی برای تغییر وضع موجود و مداخله در آن پیشنهاد ما تمرکز بر مفاهیم فناوری و تکنیک‌ها است. چنانکه پیش‌تر نیز گفته شد، حاکمیت قانون را می‌توان امری فنی دید که با تغییر برخی سازوکارها می‌توان آن را تقویت کرد. از این رو، برخی پیشنهادهایی که در پی خواهد آمد ناظر بر گسترش ابعاد فنی است. افزون بر این، انتظام جامعه را از مناظر مختلفی می‌توان دید و برای تقویت آن همت گمارد. ما در این مقاله از زاویه دو مفهوم پاسخگویی و شفافیت^۱ به این مسئله نگاه می‌کنیم. در واقع، به دنبال راه‌هایی هستیم تا جامعه (در معنای موسع آن اعم از دولت و مردم) به سمت پاسخگویی و شفافیت بیشتر میل کند.

۱-۵. راهبرد بنیادین: به سوی جامعه‌ای داده‌بنیان

ضرورت پرداختن به چنین راهبردی را می‌توان از طریق داده‌های بین‌المللی موجود نشان

۱. تمرکز عمده تحقیقات این حوزه بر بهره‌وری بوده است. پژوهش‌های مختلفی نشان دادند که کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر بهره‌وری در سازمان‌ها تأثیر مثبت دارد (صرافی‌زاده و علی‌پور، ۱۳۸۸؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۱؛ Jorgenson & Stiroh, 2000؛ نوروزیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ شیخ‌بکلو و همکاران، ۱۳۹۱).

داد. یکی از شاخص‌های مهم و راهگشا برای این منظور «شاخص آمادگی شبکه‌ای»^۱ است. قدری تأمل در این شاخص اشارات خوبی به دست می‌دهد. در مرکز این شاخص، توجه به ایده «رقمی کردن»^۲ (digitization) جامعه قرار دارد. در واقع، داده‌ها امروزه هم‌سنگ نفت و طلا در برنامه‌ریزی‌های کشور باید مهم شمرده شود. هر مقدار که در مورد سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند نفت علاقه‌مندیم، ناگزیر، در مورد تولید «داده‌های بزرگ»^۳ هم باید مشتاق باشیم که نیاز مبرم اداره جامعه است. این می‌تواند در اسناد مربوط به چشم‌اندازهای کشور مستند شود. هدف از این راهبرد، سوق دادن کشور به سوی جامعه‌ای داده‌بنیان است. برآوردهای اخیر نشان می‌دهد: ایران از حیث شاخص آمادگی شبکه‌ای وضعیت مطلوبی ندارد و در رتبه ۱۰۴ام قرار گرفته است (The Global Information Technology Report, 2014: Bilbao-Osorio et al., 2014؛ XXI)؛ ذیل این راهبرد بنیادی چند راهبرد ملی می‌توان پیشنهاد کرد: ۱. تقویت نظام بوروکراتیک از طریق فرایندهای تکنولوژیک غیرشخصی‌ساز اطلاعاتی و ارتباطاتی، ۲. راهبرد ملی: غنی‌سازی و تقویت زیرساخت‌های موجود نظام قضا بر مبنای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی. مقدمات این راهبردها آغاز شده است. در سیاست‌های کلی نظام اداری (۱۳۸۹)، برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷)، سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی (۱۳۸۱)، سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله (۱۳۸۸)، و برنامه توسعه نظام قضایی (۱۳۸۰) سرنخ‌های موید این راهبردها دیده می‌شود.

با وجود همه این اقدامات، چند محور کاری عمده باید مورد توجه بیشتر باشد: نخست، چنانکه گفته شد، مکانیزه کردن فرایندهای قضایی، گام مثبت و خوبی برای تسریع در روند دادرسی‌هاست، اما می‌توان به افق‌های دیگری هم اندیشید. در برنامه‌های توسعه قضایی عمدتاً، سرعت بخشیدن به روندها موضوع توجه بوده است. چنانکه گفته شد، این هدفی خوب و شایسته است اما شفافیت و سازوکارهای افزایش آن همیشه تازه است که لزوماً مترادف با سرعت و کاهش زمان بررسی پرونده‌ها نیست. در واقع، چالش اصلی، توازن میان دو نیاز مهم در فرایندهای اتوماسیون اداری است: سرعت از یک سو و شفافیت و پاسخگویی از سوی دیگر. دوم، به رغم اهمیت این فناوری‌ها نباید تصور کرد که فناوری اطلاعات موجب حذف ریشه‌های فساد می‌گردد، بلکه نکته مهم این است که اینها صرفاً

-
1. Networked Readiness Index (NRI)
 2. Digitization
 3. Big data

ابزاری برای پیشگیری هستند (محسنی، ۱۳۹۲) که پیوسته باید خود مورد مراقبت باشند. در استفاده بهینه از فنون اطلاعاتی و ارتباطاتی نمی‌توان به تصویب قوانین و آیین‌نامه‌ها بسنده کرد. مراقبت پیوسته و پیگیری همیشگی لازم است. در واقع، ابزارهای قانونی و اجرایی این مراقبت‌ها هم باید تعریف شود. برای نمونه، وزرای ارتباطات کشورهای عضو آ. سه. آن^۱ در سال ۲۰۰۲ اعلامیه مانیل را برای بهره‌گیری از توانمندی‌های کشورهای عضو در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی امضا کردند. در این اتحادیه گروه کاری به نام EAWG تشکیل شد که شرایط لازم را برای اجرایی کردن این توافقنامه فراهم سازد. نکته مهم دیگر در مورد اهداف این توافق، گسترش استفاده از این فناوری در تجارت الکترونیک است (موحدیان، ۱۳۸۶). در واقع، شرایطی پیش آمد که بخش خصوصی در استفاده از این فناوری‌ها از دولت هم پیش‌تر رفته است. این نتیجه خوبی است. بخش خصوصی با الزاماتی که با آنها روبروست می‌تواند به مثابه نیروی پیشران در استفاده و گسترش این فناوری‌ها عمل کند. این همان نتیجه‌ای است که در ایده حکومت‌رانی دنبال می‌شود. به این معنا که اداره جامعه نه لزوماً توسط دولت، بلکه به دست خود نهادها و بخش‌های خصوصی و مردمی انجام پذیرد.

۲-۵. راهبرد بنیادین: جامعه مدنی قوی، دولت پاسخگو

ذیل این راهبرد بنیادین راهبرد ملی نظارت عملکرد مقامات دولتی و دستگاه‌های اجرایی از طریق تقویت سازوکارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بسیار حیاتی است. یکی از روزه‌های اصلی فساد و قانون‌گریزی، ناشی نبود شفافیت لازم در کشور در سوءاستفاده‌های مقامات و دستگاه‌های اجرایی مربوط است. به رغم وجود قوانین کافی در این زمینه، که تصویب قوانین تازه را بلاموضوع کرده است، باز، دامنه فساد اداری و سوءاستفاده‌های مقامات در کشور - چنانکه در آمارها مشاهده شد - بالاست. روشن است که مشکلاتی در اجرای این قوانین دیده می‌شود. افزون بر این، تا آنجا که به موضوع اصلی این مقاله مربوط است (ایجاد شفافیت و پاسخگویی از طریق نرم‌افزار و سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی) می‌توان به چند مشکل اشاره کرد. یکی از این فقدان‌ها به «نظارت بر تراکنش‌های مالی به‌ویژه در امور وام» (محسنی، پیشین: ۱۶۹) مربوط است. تأکید بر نظام

1. ASEAN

گزارش گیری دقیق شاید راه حل خوبی باشد. به این معنا که همه نهادهای دولتی و خصوصی موظف در آیین نامه ها و قوانین پیش گفته موظف به ارسال گزارش عملکردهای خود در نسبت با قوانین شفاف سازی باشند. شاخص شفافیت نهادها موضوع خوبی است. به نظر می رسد همه نهادها را بتوان بر مبنای چنین شاخصی ارزیابی کرد. دیدیم که مؤسسات خارجی مانند مؤسسه ترانسپرنسی با همین منطق کشورها را ارزیابی و رتبه بندی می کند. همین عمل را می توان در مورد نهادهای دولتی داخلی انجام داد. همه وزرا و مقامات مسئول اجرایی باید درگیر در نظام گزارش دهی از مجموعه تحت مدیریت شان باشند که نمره شفافیت اداره و مرکز مورد نظر را روشن سازد. چنین گزارشی با تکیه بر فرصت های دولت الکترونیک بر کاهش شیوع رانت اطلاعاتی در ادارات و مراکز دولتی تأثیر می گذارند. جشنواره تسما (تولید و سازماندهی محتوای الکترونیکی) که توسط شورای عالی اطلاع رسانی از سال ۱۳۸۵ کلید خورده است نمونه تلاش خوب در این راستاست. در این ارزیابی ها که از وبسایت های دولتی صورت می گیرد شاخص تعاملی بودن دستگاه های دولتی شاخص مطلوبی است، اما به نظر می رسد کارهای تکمیلی دیگری هم باید انجام شود. برای نمونه، امتیازات چنین رتبه بندی هایی به نحوی در سرنوشت مسئولان و مراکز دولتی مؤثر واقع شود. مسئله خیلی ساده است: اگر بنیاد نظام ارزشیابی در بهترین وضعیت اجرا شود، ولی نتیجه چنین ارزیابی هایی در مثلاً تعیین یا ادامه کار مسئولی مؤثر نباشد، این همه تلاش به چه کار می آید؟

راهبرد ملی دیگر، پاسخگوسازی دولت الکترونیک به منظور بازسازی و افزایش اعتماد شهروندان است، به ویژه در مورد جوامعی که بی اعتمادی به دولت شاخصه مهم به شمار می رود، این راهبردی مؤثر می تواند باشد. خواه ناخواه، عامل استبداد تاریخی نشانه های خود را بر اذهان مردم ایران حک کرده است. شاخص های اعتماد هم نشانه های پیوند نامناسب میان دولت و مردم را تأیید می کنند. اگر در نظریه های موجود قانون گریزی در ایران، رابطه معیوب میان دولت و شهروندان یکی از مشکلات اصلی تلقی می شود، دولت الکترونیک روشی مطلوب برای اداره این رابطه در شکل سالم تر آن است. در واقع، رابطه پایدار و متقابل میان دولت و مردم در این دولت بهتر و پایدارتر سامان می گیرد (Davison & Wagner, 2005). دولت الکترونیک ابعاد متنوعی دارد که از تعامل دولت با دولت تا دولت با شهروندان، بخش تجاری و کارکنان را در برمی گیرد (قدمی و کوثر،

۱۳۹۲). این تعاملات عمدتاً مبتنی بر نوعی اعتماد هستند که از تلقی مردم از کارآمدی نهادها خبر می‌دهند. این اعتماد نهادی، نقش مهمی در مواجهه مردم با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دارد (پناهی، ۱۳۸۹). از این رو، اعتماد مردم باید در فرایند دقیق و مسئولانه از سوی نهادهای دولت الکترونیک ساخته شود. تجربه عامل مهمی است. از آنجا که دولت الکترونیک مکرر در تجربه‌های روزمره مردم تکرار می‌شود، هر گونه رخداد ناخوشایند در مواجهه بعدی با این ابزارها تأثیر خواهد گذاشت. در واقع این تجربیات مقوم یا مخرب پنداشته‌های پیشین و تاریخی ما خواهند بود. این ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی فرصتی برای ما پدید آوردند که خروج از حلقه شوم بی‌اعتمادی به دولت را ممکن می‌سازد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۲. آجودانی، ماشالله (۱۳۸۷). مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران.
۳. آدمیت فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. آدمیت فریدون (۱۳۵۵). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران، جلد ۵، تهران: انتشارات خوارزمی.
۵. آشتیانی منوچهر (۱۳۸۱). «درباره برخی از علل تاریخی عدم حاکمیت قانون در جامعه ایران»، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
۶. اشرف احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
۷. پناهی، بلال (۱۳۸۹). «وضعیت اعتماد و تأثیر آن بر میزان پذیرش ریسک دولت الکترونیک»، پژوهش‌های مدیریت، سال سوم، شماره ۷: ۶۸-۱۴۹.
۸. پیران، پرویز (۱۳۷۶). «شهر شهروند مدار»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی: ۱۲۰-۱۱۹.
۹. پیران، پرویز (۱۳۸۴ الف). «مباحث کاربردی: پیامدها و واکنش‌های اشکار ناشی از بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۶: ۱۰۴-۷۵.
۱۰. پیران، پرویز (۱۳۸۴ ب). «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»، مجله اندیشه ایرانشهر، شماره ۶.
۱۱. پیروز، پوریا (۱۳۷۱). «موانع توسعه در ایران؛ برخی موانع تاریخی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی: ۶۰-۴۹.
۱۲. تنومند محسن (۱۳۷۸). «عوامل و موانع تاریخی، فرهنگی و اجتماعی قانون‌گرایی در جامعه»، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۳. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). «فروپاشی یا آشفستگی اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳: ۷۵-۵۹.
۱۴. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی ایران: جامعه کژمدرن، تهران: نشر علم.
۱۵. رضایی، محمد (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در بین بخشی از کارکنان دولت»، مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره ششم، شماره ۳: ۶۹-۴۷.
۱۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفستگی اجتماعی، تهران: سروش.
۱۷. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۷ الف). «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی در ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷ و ۱۳۸: ۱۰۰-۸۶.
۱۸. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۷ ب). «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی در ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۹ و ۱۴۰: ۷۶-۵۸.

بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست‌وجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران ۲۷

۱۹. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). «موانع فرهنگی تجدد در کشورهای اسلامی»، مطالعات ملی، ۶ (۱): ۲۹-۴۶.
۲۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۱). ابعاد نامحسوس و خلقی توسعه‌نافتگی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۸ (۴): ۲۹-۵۳.
۲۱. شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۱). «تجزیه و تحلیل ارتباط سطح گسترده‌گی اتوماسیون اداری و اثربخشی سازمانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات، سال اول، شماره ۲: ۱۰۳-۷۳.
۲۲. شیخ‌بکلو، سارا، اصغر صراف‌زاده و کاوه تیمورنژاد (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر اتوماسیون اداری بر کارایی»، مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۹: ۵۸-۵۳.
۲۳. صراف‌زاده، اصغر و سمانه علی‌پور (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر به کارگیری اتوماسیون اداری بر بهره‌وری منابع انسانی»، مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۳: ۲۴-۱۷.
۲۴. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰). تأملی درباره ایران: دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، جلد اول، تهران: نگاه معاصر.
۲۵. عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). «موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آنها در ایران» در عباس عبدی (ویراستار)، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. عبدی، عباس (۱۳۸۱). «نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی»، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
۲۷. عبدی، عباس (۱۳۸۵). «فروپاشی اجتماعی؛ ابعاد و احتمالات»، ماهنامه آیین، اسفند، شمار ۶: ۱۵-۱۸.
۲۸. علوی‌تبار، علیرضا (گفتگو) (۱۳۷۶). «بررسی روحیه جمعی و قانون‌پذیری در جامعه»، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۲۹. فوران، جان (۱۳۸۵). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
۳۰. فوکو، میشل (۱۳۷۸). مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
۳۱. فوکو، میشل (۱۳۸۹). تئاتر فلسفه: گزیده‌ای از درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
۳۲. فوکو، میشل (۱۳۹۲). تولد زیست‌سیاست: درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس ۱۹۷۹-۱۹۷۸، تهران: نشر نی.
۳۳. قادری، حاتم (۱۳۸۱). «تبارشناسی یک مشکل» در عباس عبدی (ویراستار)، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
۳۴. قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۷۸). خودمداری ایرانیان، تهران: انتشارات ارمغان.
۳۵. قدمی، محسن و زهرا کوثر (۱۳۹۲). «تأثیر دولت الکترونیک بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، سال ۲۳، شماره ۷۱: ۱۰۴-۷۵.

۳۶. گزارش پیمایش جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵):

<http://www.wvsevsdb.com/wvs/WVSanalyzeIndex.jsp>

۳۷. گودرزی، محسن (۱۳۸۵). یافته‌های پیمایش ملی تحولات فرهنگی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی ایران.

۳۸. گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

۳۹. محسنی، فرید (۱۳۹۲). «پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۱: ۱۷۴-۱۳۹.

۴۰. ملک‌پور، علی (۱۳۸۱). تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، تهران: آزاداندیشان.

۴۱. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۴). «نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۹: ۶۰-۲۲۵.

۴۲. موحدیان، احسان (۱۳۸۶). «مروری بر تجربه مالزی در تجارت الکترونیک»، ماهنامه تحلیلگران عصر اطلاعات، سال اول، شماره ۸.

۴۳. نوروزیان قره‌تکان، فاطمه و محمدعلی محمدی، مریم حسن‌نژاد، سحر سلطانی (۱۳۹۰). «بررسی اثرات سیستم‌های اتوماسیون اداری بر شاخص‌های بهره‌وری سازمان» مطالعه موردی سازمان مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد»، دانش و فناوری، سال اول، شماره ۴: ۵۴-۱۳۹.

۴۴. وثوقی، منصور و حسین میرزایی (۱۳۸۷). «فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴: ۴۲-۱۱۷.

۴۵. وثوقی، منصور، حسین میرزایی و جبار رحمانی (۱۳۸۴). «فردگرایی و جمع‌گرایی از دید سیاحان خارجی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲: ۲۴-۳۰۳.

۴۶. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه نفیسی و عزیزی، تهران: نشر مرکز.

۴۷. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲). تضاد دولت و ملت در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

ب) منابع لاتین

1. Agrast, Mark David, Juan Carlos Botero, Joel Martinez, Alejandro Ponce, Christine S. Pratt (2013). WJP Rule of Law Index 2012-2013. Washington, D. C.: The World Justice Project. accessible at: <http://data.worldjusticeproject.org/>
2. Agrast, Mark David, Juan Carlos Botero, Joel Martinez, Alejandro Ponce, Christine S. Pratt (2014). WJP Rule of Law Index 2014. Washington, D. C.: The World Justice Project. accessible at: <http://data.worldjusticeproject.org/>
3. Anderson, Peri (1974a). Passages From Antiquity to Feudalism, London: N. L. B .
4. Anderson, Peri (1974b). Lineage of the Absolutist State, London: N. L. B .
5. Anderson, Peri (1990). "A Culture in Counter Flow", New left Review, 180

6. Bennett, T. (2004). *Pasts Beyond Memories: Evolution, Museums, Colonialism*, London & New York: Routledge.
7. Bilbao-Osorio, Beñat and Roberto Crotti, Soumitra Dutta, Bruno Lanvin (2014). "The Networked Readiness Index 2014: Benchmarking ICT Uptake in a World of Big Data" in Bilbao-Osorio, Beñat and Soumitra Dutta, Bruno Lanvin (Eds) (2014) *The Global Information Technology Report 2014: Rewards and Risks of Big Data*, Geneva: The World Economic Forum and INSEAD. Accessible at: <http://www.weforum.org/issues/global-information-technology/index.html>
8. Collier, Stephen J. (2009). *Topologies of Power: Foucault's Analysis of Political Government beyond 'Governmentality'*, *Theory, Culture & Society*, 26 (6): 78-108 .
9. Davison, Robert M., Wagner, Christian and Ma, Louis C. K. (2005). "From government to e-government: a transition model", *Information Technology & People*, 18 (3) pp: 280-299 .
10. Dean, Mitchel (1994). *Critical and Effective Histories Foucault's Methods and Historical Sociology*, London and New York: Routledge
11. Dodge, Martin and Rob Kitchin (2007). "The Automatic Management of Drivers and Driving Spaces", *Geoforum*, vol. 38: 264-275 .
12. Jorgenson, D. W. & Stiroh, K. J. (2000). "Raising The Speed Limit: US Economic Growth in The information Age", *Brookings Papers On Economic Activity*: 451-476 .
13. Jager, Siegfried (2001). "Discourse and Knowledge: Theoretical and Methodological Aspects of Critical Discourse and Dispositive Analysis", in Routh Wodak and Michael Meyer (eds), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage.
14. Pearce Frank, Steve Tombs (1998). 'Foucault, Governmentality, Marxism', *Social Legal Studies*, vol. 7 (4): 567-575 .
15. Rose N., Pat O'Malley, and Mariana Valverde (2006). 'Governmentality', *Annu. Rev. Law Sci.* 2: 83-104 .
16. Rose, Nikolas and Peter Miller (1992). "Political Power beyond the State: Problematics of Government", *The British Journal of Sociology*, 43 (2): 173-205 .
17. *The Global Information Technology Report (2014). Rewards and Risks of Big Data*, Geneva: The World Economic Forum and INSEAD. Accessible at: <http://www.weforum.org/issues/global-information-technology/index.html>